

روش پژوهش کیفی، برآیند رویکرد امیک و قوم نگاری ارتباط

فریده حق بین¹

چکیده

در این مقاله ابتدا دیدگاه‌های کنت پایک² در خصوص روش بررسی و مطالعه زبان مطرح می‌شود. آنگاه برخی دیدگاه‌های دل‌هایمز³ در مورد توانش ارتباطی⁴ و مطالعه زبان به عنوان پدیده‌ای اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد. در خاتمه، روش پژوهش کیفی⁵ که از جدیدترین مباحث در زبان‌شناسی کاربردی است به عنوان تلفیقی از نتایج دو دیدگاه فوق معرفی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: پژوهش کیفی، رویکرد امیک، قوم‌نگاری ارتباط، رویکرد اتیک

1- مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم و با اوج‌گیری زبان‌شناسی ساختگرایی آمریکایی از یک سو و توجه به مطالعه زبان‌های سرخپوستی در ایالات متحده و توصیف این زبان‌ها از سوی دیگر، زبان‌شناسی توصیفی و بعد از آن زبان‌شناسی صورت‌گرا⁶ به رهیافت‌های عظیمی دست پیدا کردند که مورد توجه علاقمندان به کاربرد این رهیافت‌ها در سایر زمینه‌های مربوط به زبان و زبان‌شناسی قرار گرفت. به عنوان مثال، همگام با ارائه نظریه‌ای در زبان‌شناسی نظری و روان‌شناسی تربیتی محققان امر آموزش زبان دوم و زبان‌شناسان کاربردی روش عملی برای معلمان زبان تجویز می‌کردند که مبتنی بر همان نظریه تازه مطرح شده بود. بدیهی است که در تمامی موارد نتیجه کار مطلوب نبود و این امر موجب قضاوت‌های نادرست عده‌ای درباره زبان‌شناسی نظری شد و با دیدی کاملاً بدبینانه به یافته‌های نظری نگاه کردند.

نیو مایر معتقد است که زبان‌شناسی کاربردی نسبت به کاربرد و بهره‌گیری از یافته‌های نظری خیلی عجول بوده است. مدت زمان نسبتاً طولانی لازم است تا برای نظریه علمی جدید، کاربردی پیدا شود (صادقیان، 1370: 118). صادقان در همین مورد می‌نویسد «تعاریف اولیه زبان‌شناسی و زبان‌شناسی

fhaghbin@Alzahra.ac.ir

¹ - دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا(س)

² - Pike, K.I.

³ - Hymes, D.

⁴ - Communicative Competence

⁵ - qualitative research

⁶ - formal Linguistics

کاربردی، که به خاطر ماهیت زبان‌شناسی ساختگرایی نوپای آمریکا و موفقیت سریع زبان‌شناسی کاربردی در کاربرد مستقیم نتایج آن در دهه‌های چهارم و پنجم این قرن قبول عامه یافت، برداشت‌های عجولانه و نادرستی را پیش آورد که پیشرفت‌های بعدی زبان‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی موجب تجدید نظر در مورد رابطه این دو رشته شد(همان).

روشن است که هیچ متخصص علوم نظری در بدو امر که به بررسی و کشف ماهیت یا پدیده‌ای از پدیده‌های جهان هستی می‌پردازد یا در صدد کشف و توصیف رابطه یا روابطی که بین پدیده‌ها وجود دارد برمی‌آید، به کاربرد آن نمی‌اندیشد و پس از کشف است که با توجه به موضوعات مختلف، کاربرد آن مورد توجه قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، زمانی که انرژی هسته‌ای در فیزیک نظری کشف شد، دانشمندان فیزیک کاربردی با توجه به ویژگی‌های کشف مربوطه از آن برای مصارف خاصی که نیاز به حجم زیادی از انرژی داشت استفاده کردند. طبیعی است استفاده نامناسب از آن را نمی‌توان به کاشف نسبت داد مثلاً اگر از آن برای حرکت اتومبیل یا انرژی لازم جهت چرخاندن عقربه‌های ساعت استفاده می‌کردند و نتیجه کار رضایت بخش نبود این پیامد صرفاً به طراح ساعت اتمی برمی‌گشت. در مورد زبان‌شناسی نظری هم باید توجه داشت که یافته‌های آن مصارف گوناگونی دارد. به طور مشخص نظریه-ای که تنها به صورت زبان می‌پردازد و نقش و کارکردهای اجتماعی را ملحوظ نمی‌کند در امر آموزش زبان دوم که تمامیت امر ارتباط مد نظر است، ناکافی و نامناسب خواهد بود.

به نظر می‌رسد، امروزه زبان‌شناسان کاربردی با دقت بیشتری و با توجه به اهداف خود در پی یافتن نظریه‌های جدید و کارآمدند. ویدوسن تغییر نگرش در مطالعات زبان‌شناسی کاربردی را پیشنهاد می‌کند و معتقد است که این تغییر نگرش و تغییر جهت از عمل به نظریه موقعی ممکن است که زبان‌شناسی کاربردی با بهره‌گیری از آگاهی‌هایی که از تجربه خود و بالطبع از علوم دیگر به دست آورده است بیشتر به چرایی کار پردازد و روشی را صرفاً به خاطر اعتبارش در حیطه دیگر نپذیرد(همان: 119). لذا پژوهش کیفی از جمله جدیدترین روش‌هایی است که در زبان‌شناسی کاربردی اخیراً معرفی شده است که در ادامه مطرح خواهد شد.

2- رویکرد امیک

کنت پایک، پایه‌گذار نظریه تحلیل نقشگاهی¹ با پیشینه‌ای در ساختگرایی آمریکایی و مطالعه و توصیف دهها زبان ناشناخته و بعضاً رو به زوال اقوام بومی قاره آمریکا، در دهه 1950 به دستور زبان روی آورد که حاصل آن در سال 1967، انتشار کتاب *زبان در ارتباط با نظریه‌ای متحد از ساختار رفتار بشری*² بود. پایک پس از این کتاب چند اثر دیگر نیز منتشر کرد که مجموعه آنها ساختار نهایی نظریه نقشگاهی را ترسیم می‌کند.

¹ - tagmemics

² - *Language in Relation to a Unified Theory of the Structure of Human Behavior*

ویژگی‌های خاصی که در دیدگاه پایک نسبت به زبان و کلاً رفتار بشر وجود دارد به نظریه او این امکان را داد که تا سال 1964 بیش از 350 زبان تنها در موسسه زبان‌شناسی سامر¹ مورد مطالعه و توصیف قرار گیرد (دو بو گراند²، 1991: 87). دو بوگراند و درسلر³ معتقدند که اتحاد بین مردم‌شناسی و زبان‌شناسی در نظریه نقشگاهی اسناد فوق العاده ارزشمندی از زبان‌هایی که به سرعت در حال محو شدن بودند به دست داد (مالمکی⁴، 1991: 454). به اعتقاد نگارنده، نحوه نگرش پایک در خصوص دیدگاه تحلیل‌گر نسبت به زبان را باید به مطلب فوق افزود. او به قیاس دو واژه «phon/emic» و «phon/etic» واژه‌های «etic/emic» را برای نامگذاری دو رویکرد که ناظر بر نگرش تحلیل‌گر نسبت به زبان است وضع کرد. اگر چه او این دو رویکرد را در تقابل با یکدیگر می‌بیند اما معتقد است در تحلیل پدیده‌هایی که به نظر او نوعی رفتار بشری تلقی می‌شوند (از جمله زبان) باید از هر دو دیدگاه استفاده کرد.

رویکرد اتیک⁵ نگرش بیرونی، جهانی و مبتنی بر نظر مشاهده‌گر است در حالیکه، رویکرد امیک⁶، نگرش درونی، خاص یک زبان و مبتنی بر دیدگاه‌های عضوی از یک جامعه زبانی یا شرکت‌کننده در یک گفتگو است، تمایز این دو رویکرد گرچه در میان زبان‌شناسان جایگاهی نیافت، اما توسط پژوهشگران و دانشمندان سایر رشته‌ها به خصوص مردم‌شناسی و اخیراً زبان‌شناسی کاربردی مورد استقبال قرار گرفته است (اشر⁷، 1994: 3188).

پایک معتقد به تعادل و توازن و رابطه بین «نظریه» و «روش» است و هیچیک را مقدم بر دیگری نمی‌داند. در واقع او «روش» را مشتمل بر اصولی می‌داند که به عنوان دستورالعمل و راهنما برای کشف ماهیت‌ها و فرآیندهای موجود در ساختار و ابزار اکتشافی برای کارهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد و «نظریه»، حکمی است که برای تشریح و توصیف پدیده یا درک بهتر آن پدیده به کار می‌رود. هدف از «نظریه» تنها بیان یک جمله صادق یا تشریح روابط موجود بین پدیده‌ها یا پیش‌بینی وقوع پدیده‌های دیگر نیست. بلکه هدف که البته باید یکپارچه و مشتمل بر اصطلاحات و روش‌شناسی تحلیل هر رفتار پیچیده انسانی باشد، مجموعه‌ای از اصول نظری و روش‌های عملی است که توأمان شکل می‌گیرند و هیچ یک بر دیگری نه تفوق و نه تقدم دارد.

بنابر این، در این عرصه، نظریه پردازی، فعال است که خود اهل عمل باشد. پایک بر این باور است که مشاهده‌گر به عنوان عضوی از یک جامعه، کشف، درک و گزارش یا عمل و رفتار می‌کند و از آنجا که معتقد به تعامل بین رفتار کلامی و غیر کلامی است، درصدد ارائه توصیفی واحد و یکپارچه است که

1- Summer Institute of linguistics

2- De Beaugrande

3- Dressler, W.U.

4- Malmkjær,

5- Etic approach

6- Emic approach

7- Asher, R.E.

هر دو را در بر بگیرد. به عقیده او این دو می‌توانند جایگزین هم شوند. او زبان را نوعی رفتار تلقی می‌کند و معتقد است هر رفتاری دارای ساخت است و آن ساخت در یک واحد رفتاری بزرگتر به دست می‌آید.

به عقیده پایک زبان بدون مراجعه به نقش آن در بافت، غیر قابل تحلیل است. همچنین، رویکرد یک زبانه¹ را در توصیف زبان روش مناسب می‌داند. در واقع او معتقد است تحلیل‌گر اهل زبان که بدون استفاده از مترجم و متون مکتوب کار می‌کند و یا آنکه حتی اهل زبان نیست و با تکیه بر ایماء و اشاره و ژست به دنیای یک زبان وارد می‌شود سعی دارد با تکیه بر رفتار غیر کلامی فرآیند ارتباط در این زبان را بشناسد.

پایک معتقد است تحلیل‌گری که از روش «اتیک» استفاده می‌کند رفتار کلامی یا غیر کلامی را از خارج از نظام مورد نظر، مورد ملاحظه قرار می‌دهد. بنابر این به ناچار او به نوعی آرمان‌گرایی² روی می‌آورد، در واقع برای برخورد با زبان به عنوان رفتار ارتباطی که دربردارنده فرهنگ‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم و ... است ناگزیر محدودیت قائل می‌شود، تا بتواند آن را مورد مطالعه قرار دهد. اما در روش امیک تحلیل‌گر به عنوان عضوی از یک جامعه زبانی سعی می‌کند از زاویه نگاه اهل زبان آن زبان را مورد مطالعه قرار دهد و نگاهی درونی به آن داشته باشد. در این صورت گستردگی و بی‌پایان بودن آن ملحوظ شده است.

به قول دوبوگراند(1991: 94) رویکرد اتیک، ملاک‌هایی را به دست می‌دهد که دارای طرح منطقی است و به نظام بیرونی زبان می‌پردازد، لذا اطلاعات و داده‌های آن جزئی و در عین حال موقتی و ابتدایی است. اما در رویکرد امیک نقش و نظام درونی زبان بررسی می‌شود و دانشی از کل نظام را به دست می‌دهد در عین حال داده‌های آن کلی، ماندگار و نهایی است.

گاهی واحدهای یک نظام به لحاظ اتیکی مشابه اما از نظر رویکرد امیک متفاوتند و گاه به عکس، به عنوان مثال، واجگونه‌های دمیده صداهای انسدادی بیواک آغازین در زبان انگلیسی با هم متفاوتند و این تفاوت تنها در رویکرد اتیک قابل طرح است اما با توجه به رویکرد امیک این دو با هم تفاوتی ندارند چون تمایز معنا ایجاد نمی‌کنند.

پایک بر این باور است که هر دو دیدگاه در تحلیل‌های زبانی باید ملحوظ شوند و باید هر دو نگاه را به زبان داشت، گاهی مطالعات با رویکرد اتیک آغاز می‌شود و با رویکرد امیک به پایان می‌رسد. روش اتیک به خصوص در آغاز راه و در برخورد اول به زبان، داده‌های لازم برای مطالعه را به دست می‌دهد به خصوص خود پایک با استفاده از روال‌های کشف بسیاری از عناصر ساختاری زبان‌ها را استخراج کرده است در واقع این رویکرد سریعترین و امکان پذیرترین وسیله برای کشف صورت زبان را به دست می‌دهد. اما ارزش رویکرد امیک آنست که زبان و فرهنگ را یکجا ملحوظ می‌نماید بنابر این مجموعه‌ای

¹ - Monolingual approach

² - Idealization

از شرایط، عقاید، انگیزه‌ها، علایق، واکنش‌ها، تضادها و ... که در بافت وجود دارند در توصیف از زبان در نظر گرفته می‌شوند.

3- قوم‌نگاری ارتباط

رویکردهایی که محققان در پژوهش‌های خود اتخاذ می‌کنند نتیجه ملاحظات نظری و فلسفی آنان است که به طور آگاهانه یا ناخودآگاه از آنها استفاده می‌کنند. همانطور که گفته شد پایک به عنوان زبان‌شناس ملاحظات اجتماعی و قومی را در روش امیک ضروری می‌داند زیرا هر روز بیش از گذشته فاصله بین مردم‌شناسی و زبان‌شناسی با ایجاد رشته‌های جدید پر می‌شود. در دهه 1970 مردم‌شناسان زبانی¹ به عنوان واکنشی نسبت به اتکای محض به «صورت» در زبان‌شناسی و نظریه زبانی، مواضع شدیدی را در مقابل مدل روان‌شناختی چامسکی اتخاذ کردند و ثمره آن ارائه فرضیه توانش ارتباطی توسط هایمز بود. او در 1972 می‌نویسد «ما ناگزیریم این واقعیت را ملحوظ نمائیم که کودک معمولی دانش جملات زبانی را نه تنها در شکل دستوری آن بلکه با رعایت تناسب آن فرا می‌گیرد. او توانش اینکه چه موقع صحبت کند، چه موقع نکند، چه چیزی را به چه کسی بگوید، کی و کجا، به چه کسی، چگونه بگوید را کسب می‌نماید. خلاصه اینکه، کودک توانایی انجام فهرستی از اعمال گفتاری² را دارد، در هر حادثه گفتاری می‌تواند شرکت کند و کنش زبانی خود را توسط دیگران ارزیابی کند، این توانش با عقاید، ارزش‌ها و انگیزه‌هایی که با زبان ارتباط دارد، مختصات و کاربردهای آن همبستگی دارد(دورانتی³، 1988: 213).

همچنین، هایمز معتقد است درک و تفکیک جملات دستوری زبان تنها در درون ماتریس‌های اجتماعی میسر است، او نظام کاربرد زبان را که شامل اشخاص، مکان‌ها اهداف و سایر جنبه‌های ارتباط و غیره است فرا می‌گیرد و در این فراگیری توانش جامعه‌شناختی زبانی کودک نقش اصلی را دارد(دیویس⁴، 1995: 429).

طی دهه 1980 تحقیقات میدانی متعددی روی جوامع گوناگون قومی و تأثیر اجتماع بر زبان و فراگیری زبان اول و دوم صورت گرفت و در تمامی این مطالعات نتیجه توجه بیشتر به کاربرد زبان بود. شاید تصور شود که این نگرش‌ها در واقع همان‌هایی است که توسط جامعه‌شناسان زبان اتخاذ شده است اما باید توجه داشت که بین تعبیری که قوم‌نگاران ارتباط⁵ از کاربرد زبان دارند و تعبیر جامعه‌شناسان زبان تفاوت وجود دارد.

جامعه‌شناسان زبان تعبیری محدودتر از کاربرد زبان را لحاظ می‌کنند. به عبارت دیگر منظور جامعه‌شناسان زبان از کاربرد زبان، به کارگیری پاره‌گفتارهای خاص، کلمات یا اصوات خاص توسط سخنگویان

¹ - linguistic anthropologist

² - speech acts

³ - Duranti, A.

⁴ - Davis, K.A.

⁵ - Ethnographers of communication

خاص در زمان و مکان خاص است به عبارت دیگر آنان به نمونه‌های محقق زبانی¹ توجه دارند و نه نمونه کلی زبانی². لیکن برای قوم‌نگاران ارتباط، کاربرد زبان به مثابه کاربرد کدهای زبان‌شناختی در گذران زندگی اجتماعی است (دورانتی، همان: 212). آنان معتقدند برای بیان چگونگی کارکرد نشانه‌های زبانی باید به بافت‌های خاصی که زبان در آنها به کار می‌رود توجه کرد. به نظر می‌آید نقطه مشترک در دیدگاه قوم‌نگاران ارتباط و پایک توجه به عواملی است که فراتر از صورت زبان است.

4- پژوهش کیفی

نظریه کیفی و روش‌های تحقیق در زبان‌شناسی کاربردی یکی از جدیدترین رویکردهایی است که در زبان‌شناسی کاربردی مطرح است و هنوز بحث‌ها، مشکلات و نکات مبهم زیادی در آن وجود دارد. تا اوایل دهه 1980، پژوهشگرانی که در مورد فراگیری زبان دوم مطالعه می‌کردند تحلیل‌هایی مبتنی بر اصول روان‌شناختی و با استفاده از روش‌های آماری ارائه و رویکردهای منطقی - تحقیقی³، پژوهش‌های کمی⁴ را شکل می‌دادند.

پژوهش‌های کیفی به عنوان برآیند دیدگاه پایک در خصوص رویکرد امیک و نظرات قوم‌نگاران ارتباط، ارائه‌دهنده روش‌های جدیدی است که در آن معلم زبان، مجری نظریه‌های دیکته شده دیگران نیست بلکه خود او به عنوان عضوی از جامعه گفتاری با لحاظ کردن تمامی عوامل اجتماعی با استفاده از روش‌هایی مثل یادداشت‌برداری⁵، خودنگری⁶، مطالعه موردی⁷ و از این قبیل، دانسته‌ها و تجربیات خود را خود را به کار می‌گیرد و یادداشت می‌کند و پس از بررسی یادداشت‌های خود نقاط ضعف و قوت خود را ارزیابی می‌کند، فرضیه جدیدی می‌سازد و خود، آن را بررسی می‌کند. در واقع زبان‌شناسان کاربردی معتقدند نسلی از معلمان زبان باید تربیت شوند که علاوه بر مدرس بودن، نظریه‌پرداز باشند یعنی معلمان پژوهشگر یا پژوهشگران معلم. در مورد سایر زمینه‌های کاربردی زبان‌شناسی نیز همین دیدگاه وجود دارد. در چهار چوب پژوهش‌های کیفی مترجمان هم مثل معلمان به کارگیرنده تجویزهای نظریه پردازانی که از بیرون به زبان نگاه می‌کنند نیستند، بلکه با استفاده از روش‌های مشابه همچون معلمان می‌توانند به بازبینی و ارائه نظریات جدید در مورد نظریه ترجمه بپردازند.

برای شناخت ویژگی‌های پژوهش کیفی می‌توان برخی مختصات آن را با مختصات پژوهش کمی مقایسه کرد. جدول 1 و 2 نشان‌دهنده برخی از این ویژگی‌ها است.

1- linguistic token

2- linguistic type

3- logical-positivistic approach

4- quantitative research

5- diary writing

6- self- monitoring

7- case study

در پژوهش کیفی معانی و نقش عناصر ارتباطی از نظر شرکت‌کنندگان در یک کنش ارتباطی تفسیر و تعبیر می‌شود. در واقع رویکرد طرفین امر ارتباط همان رویکرد امیک است یعنی از درون به این امر می‌پردازند.

معلم زبان، مترجم و ... از درون به زبان نگاه می‌کنند در حالیکه تحلیل‌گر و آن کسی که روش‌های تدریس یا نظریه‌های ترجمه را ارائه می‌دهد ممکن است هیچگاه خود به طور مستقیم با مسائل موجود در کلاس درس، در داخل کلاس روبرو نشده باشد. در واقع به نظر می‌رسد آنچه در کلاس درس از طریق کتاب‌های دستور زبان و با پی‌گیری برخی تجویزها ارائه می‌شود فاصله زیادی با روح زبان دارد. گویی پوسته و قالبی از زبان گرفته می‌شود و به زبان آموز، این پوسته به عنوان زبان معرفی می‌شود، گیرم زبان آموز آموزش‌ها را به طور کامل درک کند، پس از مدتی درمی‌یابد که آنچه آموخته زبان نیست زیرا روح زبان که آمیخته با ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و ... است در صورت آموزش داده شده وجود نداشته است. به عقیده پایک محقق که با رویکرد اتیک به مطالعه زبان می‌پردازد تنها همین صورت قالبی را می‌بیند و آن را توصیف می‌کند. زبان پدیده‌ای است که اگر قرار باشد کسی آن را بشناسد یا بیاموزد باید خود آن زبان را بیاموزد و نه فهرستی از ویژگی‌هایش را.

بحث تفاوت رویکرد اتیک و امیک به گونه دیگری، سال‌ها است که میان زبان‌شناسان کاربردی مطرح بوده است. زبان‌شناسان کاربردی معتقدند آنچه در پژوهش‌های ایشان مورد نیاز است، داشتن نگاه یک فردی است که زبان را به کار می‌برد و نه آن که، زبان را تحلیل می‌کند. کورد¹ معتقد است اهل زبان دانش ناخودآگاه نسبت به زبان دارد که هیچگاه به صراحت به او آموخته نمی‌شود در حالیکه تحلیل‌گر بخش‌هایی از زبان را توصیف می‌کند که آموزش دادنی است.

هایمز، فیرابند²، ویدوسن و بسیاری دیگر از دانشمندان که در حوزه قوم‌نگاری ارتباط و زبان‌شناسی کاربردی مطالعه و تحقیق می‌کنند شقوقی را برای نشان دادن دو دیدگاه فوق ارائه داده‌اند که برخی از آنها در جدول 1 آمده است، مقایسه آنها می‌تواند تا حدی این دو نگرش را نشان دهد. تقابل‌ها تقریباً در مورد پژوهش کیفی و کمی نیز صدق می‌کند گرچه در حوزه پژوهش کیفی و کمی تقابل‌های خاص خودشان مطرح است که آن نیز در جدول 2 ارائه شده است.

analyst's perspective	user's perspective
outsider	Insider
observer	Participant
analysis	activity
scientist	layperson
democratic judgment	expert opinion

¹ - Corder, P.

² - Fereabend,

reason	practice
Specialist	Everyday
Theoretical	pedegogic

جدول 1- مقایسه دو دیدگاه تحلیل‌گر و کاربردی

quantitative research	qualitative research
etic approach	emic approach
discrete approach	holistic approach
mental process	semiotic process
valid	credible
reliable	Dependable
generalizable	Transferable
positivistic	naturalistic
control experiment	contcxtual experience

جدول 2- مقایسه تحقیق کیفی و کمی (دیویس، 1995: 431)

دیویس (1995) می‌نویسد، محققانی که پژوهش کیفی را درک کرده‌اند آن را بدین صورت تعریف می‌کنند، «پژوهش کیفی، پژوهشی است که کمی نباشد» (همان: 432).

عده‌ای به پژوهشگران کیفی خرده می‌گیرند که با توجه به ویژگی‌های تشریح شده، این تحقیقات هیچ پشتوانه نظری ندارد. دیویس در پاسخ چنین بیان می‌دارد که اتفاقاً گام اول در این پژوهش‌ها اتخاذ نظریه مناسب است. منظور از نظریه در اینجا، چهارچوب فرهنگی اجتماعی مناسب است. پایک (دو بو گراند، همان: 95) و دیویس (همان: 437) معتقدند در پژوهش، استفاده و برخورداری از همکاری که از درون جامعه فرهنگی و اجتماعی مورد نظر برخاسته‌اند و نگاه درونی به زبان دارند، تحقیق را از آفت برداشت‌های ناصحیح یا احیاناً قوم‌مدارانه حفظ می‌کند و از طرف دیگر برخورداری از کمک همکاری که از بیرون به زبان نگاه می‌کنند می‌تواند قضاوتی عادلانه و در عین حال دقیق به دست دهد که حاصل کار، از اعتبار و اطمینان لازم برخوردار است.

از آنجا که امروزه نظریه‌های قوم‌نگاری و جامعه‌شناختی، مورد توجه پژوهشگران کیفی قرار گرفته است، دو گرایش عمده در بین این نظریه‌ها مشاهده می‌شود. الف- نظریه‌های آرمان‌گرا ب- نظریه‌های ماده‌گرا.

فترمن¹ می‌نویسد «نظریه‌های آرمان‌گرا تغییرات بنیادی ناشی از فعالیت‌های ذهنی و برخاسته از ایده‌ها و افکار (مردمان) است. اما ماده‌گرایان بر این باورند که شرایط مادی مثل منابع اکولوژیکی، پول و روش‌های تولید، محرک اولیه (در تغییرات اجتماعی) محسوب می‌شوند. به هر حال در هر دو نظریه، ایدئولوژی در بالاترین سطح، تعیین‌کننده ساختار اجتماعی و به تبع آن ساختار زبانی است. امروزه دیدگاه-

¹ - Fetterman

های نئومارکسیس‌ها بر این امر تأکید دارد که تغییر شکل عوامل تولید و کنترل آن باعث ایجاد تغییرات بنیادی اجتماعی می‌شود. زبان‌شناسان انتقادی¹، دقیقاً تحت تأثیر این عقاید است. آنان معتقدند به لحاظ قدرت، نابرابری در جامعه به طور عام و در نهادها به طور خاص در حال عمل کردن است (همان: 438).

برخی از محققان از جمله خود دیویس در توصیف یافته‌های خود از هر دو نگرش بهره می‌جویند، به عنوان مثال، او در مطالعه‌ای که در زمینه برنامه‌ریزی زبان در شهر لوگزامبورک داشته است، به این نتیجه می‌رسد که شرایط اقتصادی اجتماعی هم در سیاست‌گذاری‌های دولت و هم تجربیات افراد به لحاظ فرهنگی در شکل‌گیری زبان آنها و به خصوص فراگیری تأثیر مستقیم دارد. لذا این دو دیدگاه کاملاً در توصیفات دیویس مشهود است.

پژوهش‌های کیفی از سوی دیگر دستخوش بحث‌هایی است که مبتنی بر مبانی ژنتیکی و تربیتی است. سؤال این است که آیا رفتار اجتماعی به لحاظ ژنتیکی تعیین می‌شوند و یا تحت تأثیر عوامل تربیتی‌اند²

5- نتیجه بحث

آنچه در این جستار بررسی شد تذکر نگرش روش‌شناختی یکی از زبان‌شناسان نظری یعنی پایک و برخی گرایش‌های جامعه‌شناختی بود که مجموعاً روش جدیدی را به زبان‌شناسی کاربردی ارائه کرده است علیرغم همه بدبینی‌هایی که زبان‌شناسان کاربردی نسبت به یافته‌های زبان‌شناسی نظری پیدا کرده‌اند به نظر می‌رسد گریزی از این یافته‌ها ندارند حتی آنجا که به دنبال روش جدید در تحقیقات خود هستند ناگزیر، روشی را می‌یابند که چندین سال قبل توسط زبان‌شناسی نظری مطرح شده است.

به قول لاوندر³ اگر حتی چامسکی را مسئول غیر مستقیم رشد شتابدار جامعه‌شناسی زبان و قوم-شناسی زبان در سال‌های 1960 بدانیم سخنی به گزاف نگفته‌ایم چرا که از رهگذر تأکید مخالفان چامسکی بر کاربردشناسی⁴ و تجزیه و تحلیل گفتمان دستاوردهای فراوانی برای این حوزه‌ها حاصل شد به عنوان مثال، مفهوم توانش ارتباطی که توسط هایمز در تقابل با توانش چامسکی معرفی شد، مبنای بسیاری از بحث‌ها و استدلال‌های قوم‌نگاران و جامعه‌شناسان زبان قرار گرفت. لازم به ذکر است که نارسایی‌هایی که تاکنون به لحاظ اتکا به نظریه‌های زبان‌شناسی نظری در تحلیل‌های زبان‌شناسی کاربردی مشاهده شده است، صرفاً به دلیل گزینش نادرست و نامناسب این نظریه‌ها است و ملاک خوب و بد بودن در اینجا چندان اعتبار ندارد. به قول کورد، نمی‌توان بین اتومبیل سواری و اتوبوس یکی را بد و دیگری را خوب دانست چرا که هر کدام کارایی خاص خود را دارد و از هر کدام باید در جای خود

¹ - critical linguists

² - nature debates vs. nurture debates

³ - Lavandera, B.R.

⁴ - pragmatics

استفاده کرد. در عین حال، باید این مطلب را تأیید کرد که تمامیت زبان اگر به عنوان وسیله ارتباطی مد نظر باشد چیزی بیش از واج‌شناسی، صرف، نحو و معنی‌شناسی را می‌طلبد.

منابع

بانان صادقیان، جلیل (1370). «زبان‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی»، *مجله زبان‌شناسی*، سال هشتم، شماره اول و دوم، صص 109-121.

- Davis, K.A. (1995). "Qualitative Theory and Methods in Applied Linguistic Research". *TESOL Quarterly* . 29,3, pp.427-453.
- De Baugeande. R.(1991). *Linguistic Theory: The Discourse of Fundamental Works*. London: Longman, pp.88-121.
- Duranti, A.(1988) "Ethnography of Speaking: toward a Linguistics of the Praxis", *Linguistics: The Cambridge Survey*, V.IV. Edited by F.g. Newmeyer, New York: Cambridge University Press. pp. 210-228.
- Jones. L.(1995)"Tagmemics", in *Concise History of the Language Sciences, from the Sumerians to the Cognitivists* , edited by E.F.K. Koemer and R.E. Asher, New York: Pergamon. Edited by Asher. pp. 314-319.
- Asher, R.E. and et al. (1994). *Encyclopedia of Language and Linguistics*, Oxford, New York: Pergamon Press. p.3188.
- Lavandera B.R.(1988)." The Study of Language in its Socio – Cultural Context", *Linguistics, The Cambridge Survey* . V.IV Edited by : F.g. Newmeyer. New York: Cambridge University Press, pp. 1-13.
- Lazarton A.(1995). "Qualitative Research in Applied Linguistics: A progress Report", *TESOL Quarterly*. vol. 29, No.3 , pp.455-472.
- Malmkjær. K.(1991). "Tagmemics" the *Linguistics Encyclopedia*, London: Routledge, pp.452-457.